

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۲/۰۱

موضوع: شهادت ثالثه در اذان (۴)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما پيرامون شهادت ثالثه بود و در اين خصوص نظر بزرگان را تا قرن يازدهم و دوازدهم هجری خواندیم. همچنين نظر «صاحب رياض» متوفای ۱۲۳۱ هجری هم خوانده شد. ایشان هم قائل بود که بعيد نيست از برخی اخبار استحباب شهادت ثالثه استفاده شود.

بعد از او فرمایش «مرحوم شيخ جعفر كاشف الغطاء» صاحب كتاب «كشف الغطاء» را بررسی می‌کنیم. این كتاب یکی از كتب مشهور و گران سنگ شيعه است. ایشان که متوفای سال ۱۲۲۸ هجری یعنی بخش اول قرن سیزدهم هجری است، چنین تعبیر می‌کند:

«كقول: «أشهد أن علياً ولي الله» لا بقصد الجزئية و لا بقصد الخصوصية»

انسان می‌تواند شهادت ثالثه را نه به قصد خصوصیت، بلکه به قصد جزئیت بگوید.

«لأنهما معاً تشريع»

اگر به قصد جزئیت یا خصوصیت بگوید، نوعی تشريع و بدعت است.

«بل بقصد الرجحان الذاتی»

شهادت ثالثه ذاتاً رجحان دارد.

با توجه به آیه شریفه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ)

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

موجب کمال دین و رضایت حق از ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هست.

«أو الرجحان العارضی»

یا عارضاً رجحان دارد.

به تعبیر آیت الله العظمی خوئی شعار بر ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باعث نشر امر ولایت در میان مردم می‌شود.

«لما ورد من استحباب ذکر اسم علی علیه السلام متی ذکر اسم النبی صلی الله علیه و آله و سلم»

در روایات وارد شده است هرگاه اسم پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را آوردید، نام امیرالمؤمنین را هم بر ولایت بیاورید.

كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، نویسنده: نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ج ۱،

ص ۲۷۰، باب المطلب الثالث فی أنه لا يجوز الإتيان بعبادة، و لا معاملة، و لا بغيرهما، مما يرجع إلى

الشرع فی تكليفه أو تعريفه من غير مأخذ شرع

این روایت در کتاب «احتجاج» اثر «طبرسی» در جلد اول ص ۵۳ است. ما بعد از این به فرمایش «صاحب جواهر» فقیه توانمند و پرآوازه شیعه می‌رسیم که امروز دروس خارج مراجع شیعه قم، نجف، مشهد یا دیگر شهرها بر محور این کتاب می‌چرخند.

ایشان در جلد ۹ صفحه ۸۷ در شهادت ثالثه بحث زیبایی دارد. می‌توان گفت عبارت ایشان جزء عبارت‌های معدود است و یک یا دو تن از فقها بیشتر این تعبیر را ندارند.

ایشان در حقیقت در جزئیت شهادت ثالثه هم مقداری حرف دارد که می‌شود به عنوان جزء اذان هم آورد. ما ندیدیم فقها چنین تعبیری داشته باشند. تعبیر ایشان چنین است:

«لا بأس بذكر ذلك»

ایشان در این خصوص بحث مفصلی دارد، عبارت‌های «شیخ صدوق» و اقوال بزرگان را می‌آورد و می‌گوید: گفتن شهادت ثالثه در اذان اشکالی ندارد؛

«لا على سبيل الجزئية»

نه اینکه به عنوان جزء اذان خوانده شود.

«عملاً بالخبر المزبور»

این خبر، همان خبر وارد شده در «احتجاج» اثر «طبرسی» است که عرض کردیم در جلد اول صفحه ۱۵۸ وارد شده است:

«فَإِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَلْيَقُلْ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»

هرکسی شهادت به وحدانیت خدا و رسالت نبی گرامی اسلام می‌دهد، پس بگوید: علی امیرالمؤمنین هست.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۵۸، باب احتجاجة ع علی جماعة كثيرة من المهاجرين و الأنصار لما تذاکروا فضلهم بما قال رسول الله ص من النص علیه و غیره من القول الجمیل

«مرحوم صاحب جواهر» یک دفع دخل مقدری دارد و می‌گوید: اگر واقعاً «شهادت ثالثه» جز اذان نیست، آیا اگر ما بعد از شهادت بر رسالت و قبل از «حی علی الصلاة» آن را اضافه کنیم موالات اذان یا اقامه به هم نمی‌ریزد؟!

«و لا یقدح مثله فی الموالاة و الترتیب»

همانند شهادت ثالثه موالات یا ترتیب اذان را به هم نمی‌زند.

«بل هی كالصلاة علی محمد (صلی الله علیه و آله) عند سماع اسمه»

همانطور که ابتدا «أشهد أنّ محمداً رسول الله» می‌گوییم، سپس صلوات می‌فرستیم این صلوات موالات و ترتیب اذان را به هم نمی‌زند شهادت ثالثه هم موالات را به هم نمی‌زند.

ایشان سپس جمله زیبا و منحصر به فردی بیان می‌کنند و می‌نویسند:

«بل لو لا تسالم الأصحاب لأمكن دعوی الجزئية»

اگر تسالم و اجماع فقها نبود انسان می‌توانست ادعا کند که «أشهد ان علیا ولی الله» جزء اذان است.

به بیان بهتر اگر نه این بود که فقهای ما بر عدم جزئیت اتفاق نظر دارند، انسان می‌توانست ادعا کند که «أشهد أن عليا ولي الله» جزء اذان است.

«بناء على صلاحية العموم لمشروعية الخصوصية»

شهادت بر ولایت علی بن ابیطالب صلاحیت دارد بر اینکه تشریح شده باشد یا آن را به عنوان تشریح در اذان ادا کنیم.

«و الأمر سهل»

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، نویسنده: نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ج ۹، ص ۸۷،

فصل فی فصول الأذان و الإقامة

ولو اینکه تسالم اصحاب هم هست، اگر کسی قائل به جزئیت هم باشد با توجه به صلاحیت شهادت بر ولایت در تشریح امر بسیار ساده و آسان است و مشکلی ندارد.

از زمان «شیخ مفید» و «شیخ صدوق» تا قرن سیزدهم ایشان اولین فقیهی است که برای اولین بار می‌گوید: امکان قول به جزئیت هم هست و هیچ مشکلی مثل اینکه بدعت باشد نیست، زیرا نفس ولایت علی ابن ابی طالب صلاحیت بر جزئیت در اذان دارد. اگر ما شهادت ثالثه را جزء اذان قرار دهیم، با توجه به ادله ولایت علی بن ابی طالب نه تنها بوی بدعت نمی‌آید، بلکه انسان می‌تواند رضایت شارع را بر ادای شهادت بر ولایت در درون اذان کشف کند.

بعد از آن به فرمایش «مرحوم نائینی (رضوان الله تعالی علیه)» می‌رسیم. البته مطالب دیگری هم از فقهای دیگر در این میان وجود دارد، اما ما گل سر سبد فرمایشات را گزینش کردیم. اگر بخواهیم تمام مطالب را کامل بگوییم شاید به طول بینجامد.

«مرحوم نائینی» متوفای ۱۳۵۵ هجری است و با «مرحوم شیخ عبدالکریم حائری» متوفای ۱۳۵۱ هجری ۴ سال فاصله دارند.

«مرحوم نائینی» شاگرد «آخوند خراسانی» و استاد غالب فقهای معاصر همانند «مرحوم خوئی» و دیگران است. تعبیر ایشان در کتاب «وسيلة النجاة» صفحه ۵۶ چنین است:

«و تستحب الصلاة على محمد و آل محمد عند ذكر اسمه الشريف»

این مطلب واضح و روشن است.

«و إكمال الشهادتين بالشهادة لعلی (علیه السلام) بالولاية و إمرة المؤمنین فی الأذان و غیره»

گفتن شهادت به ولایت امیرالمؤمنین در اذان و غیر اذان مستحب است.

وسيلة النجاة ، نائینی، ص ۵۶

ایشان نگفته است که به قصد جزئیت یا تیمّن و تبرک باشد، اما از قرائن می‌توان استفاده کرد که این بزرگوار «لا بقصد الجزئية» را لحاظ کرده باشد.

به قصد جزئیت الا اینکه آقایان از همان روایت «احتجاج» بتوانند استفاده کنند که البته زمانی که فرمایش «مرحوم خوئی» می‌آید فرمایش دقیقی است و بعید است که استاد بزرگوارشان به عنوان قصد جزئیت در نظر داشته باشد.

«مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی» متوفای ۱۳۶۵ هجری ده سال بعد از «مرحوم نائینی» کتابی فارسی به نام «ذخيرة العباد» دارد.

در این کتاب وارد شده است که شهادت به ولایت علی بن ابی طالب جزء اذان نیست، اما بسیار زیباست که اگر کسی شهادت به رسالت نبی گرامی اسلام می‌دهد به قصد قربت شهادت بر ولایت علی بن ابی طالب را هم بگوید.

البته واژه "بقصد القرۃ" فرمایش «مرحوم نائینی» را دارد که می‌خواهد حالت ورود را برساند می‌رساند نه قصد رجاء!! بعد از فرمایش ایشان به فرمایش «سید محمد کاظم یزدی» می‌رسیم.

«مرحوم یزدی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «عروه» و کتاب «طریق النجاة» که فرمایش ایشان آمده است، همان تعبیر «مرحوم سید أبو الحسن اصفهانی» را دارد که شهادت به ولایت علی بن ابی طالب جزء اذان نیست ولی گفتنش در اذان به عنوان تقرب حسن و نیکو هست. تعبیر ایشان در کتاب «عروه» این است:

«و أما الشهادة لعلی ع بالولاية و إمرة المؤمنین فلیست جزء منهما»

اما شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین جزئی از اذان و جزئی از اقامه نیست.

العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، نویسنده: یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، ج ۱، ص ۶۰۲، فصل ۱۶

فی الأذان و الإقامة

ایشان تنها به همین عبارت اکتفا کرده است. کتاب «عروة الوثقی» با چاپ قدیم تک جلدی است و در آنجا فقهای حاشیه زده‌اند، اما این آقایان هیچ حاشیه‌ای بر فرمایش «مرحوم سید یزدی» ندارند.

«و أما الشهادة لعلی (علیه السلام) بالولاية و إمرة المؤمنین فلیست جزء منهما»

«مرحوم سید احمد خوانساری» حاشیه ندارد، «امام خمینی» حاشیه ندارد، «مرحوم خویی» حاشیه ندارد، آقای «شریعتمداری» حاشیه ندارد، آقای «سید حسن طباطبایی» حاشیه ندارد. همچنین آقای «گلپایگانی» حاشیه

ندارد، آقای «مرعشی نجفی» حاشیه ندارد و «سید ابوالحسن رفیعی» هم حاشیه ندارد. البته این چاپ جامعه مدرسین است. مرحوم آیت الله العظمی شاهرودی در کتاب «حاشیه» خود می نویسد:

«ولو ندبا ولو قيل به فالأولى إتيانها قاصدا به إمتثال العمومات الدالة على استحبابها»

اگر انسان بخواهد شهادت بر ولایت را در اذان و اقامه بگوید به صورت استحبابی و ورود، اشکال دارد، اما اگر به عنوان امتثال که دلالت می کند بر استحباب شهادت بر ولایت علی ابن ابی طالب اشکالی ندارد.

این مورد همانند حدیث «احتجاج» است که دلالت بر استحباب شهادت بر ولایت علی بن ابی طالب دارد.

«كما أن الأولى والأحوط الصلاة على محمد وآله بعد الشهادة بالرسالة بهذا القصد»

همانطوری که اگر کسی در اذان یا اقامه بعد از بردن نام رسول اکرم صلوات می فرستد، اگر این صلوات به قصد جزئیت در اذان باشد اشکال دارد، اما اگر امتثال عمومات باشد اشکالی ندارد.

التعليقات على العروة الوثقى و التعليقات عليها، سيد محمد كاظم يزدى، ج 6، ص ٤٦٨، موسسه

سبطين، قم، ١٤٣٠

در روایت داریم هرکسی نام پیغمبر اکرم را می شنود، موظف است صلوات بفرستد و اگر به قصد امتثال عمومات باشد، اشکالی ندارد. «حاشیه» دوم اثر آیت الله العظمی میلانی است که می گوید: شهادت ثالثه جزء اذان نیست؛

«ولكنها مكملة للشهادتين فينبغى أن يؤتى بها»

اما مکمل توحید و رسالت است. شایسته است که در اذان و اقامه شهادت ثالثه را بیاوریم.

التعليقات على العروة الوثقى و التعليقات عليها، سيد محمد كاظم يزدي، ج ٦، ص ٤٦٨، موسسه

سبطين، قم، ١٤٣٠

«مرحوم سيد عبد الهادي شيرازي» هم نظر خود را چنين بيان مي کنند:

«إلا أنها تستحب فيهما»

مستحب است هم در اذان و هم در اقامه شهادت ثالثه گفته شود.

التعليقات على العروة الوثقى و التعليقات عليها، سيد محمد كاظم يزدي، ج ٦، ص ٤٦٨، موسسه سبطين، قم،

١٤٣٠

همچنين نظر «مرحوم كاشف الغطاء» هم بيان شده است كه «حاشيه» ايشان را هم آوردند. «مرحوم فاكرو زحمت زيادي كشيده و در چاپ جديد كتاب «عروة الوثقى» عمدتاً از نظريات «صاحب جواهر» تا ديگر فقهاي معاصر را در حاشيه اين كتاب قرار دادند.

انسان وقتي اين كتاب را مطالعه مي كند در حقيقت فتاوي دو سه قرن اخير فقها نسبت به اين موضوع را مي فهمد. آيت الله العظمي بروجردي مي گفتند: تسلط بر اقوال فقها نيمي از اجتهاد است!!

از «مرحوم كاشف الغطاء» اين مطلب را آورده اند. فتاوي «صاحب جواهر» در اين حاشيه آمده است، همچنين فتاوي «مرحوم فيروزآبادي» متوفاي ١٣٤٥، «مرحوم نائيني»، «مرحوم شيخ عبدالكريم حائري» مؤسس حوزه علميه قم، «آقا ضياء عراقي»، «مرحوم سيد ابوالحسن اصفهاني»، «كاشف الغطاء»، علماي ديگري همانند آيت الله العظمي بروجردي، آقاي «سيد عبدالهادي شيرازي»، آقاي «حكيم»، آقاي «محمد رضا آل ياسين» متوفاي ١٣٧٠ هجري، «مرحوم خوانساري»، «امام خميني»، «مرحوم خوئي» و آقاي «گلپايگاني» در اين حاشيه آمده است.

به طور کلی فتاوی ۱۵ نفر از فقهای بزرگ و نامدار شیعه در این چاپ جدید کتاب «عروة الوثقی» آمده است. ظاهراً با طرح و پیشنهاد آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود که نظرات این علما گزینش شدند و در حاشیه کتاب «عروة الوثقی» آمد.

ما از این بزرگواران در این چاپ جدید حاشیه‌ای جز مواردی که عرض کردیم، ندیدیم. حال فرمایش بسیار زیبا، عمیق و پیامدار آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) را بیان کنیم. خداوند روح فقهای ما را شادتر و درجاتشان را عالی‌تر بگرداند. در میان فقها «مرحوم آقای خوئی» در فقه، اصول و رجال خدمت کم نظیری بوده است.

تلاش ایشان از ابتدای ورود به حوزه بر این بود که فقه شیعه را پویاتر کنند و همینطور علاقه خاصی هم به تدریس داشتند. در شرح حال ایشان نقل شده است روز اول که به مکتب رفته بود، ملا مکتبی به ایشان درس داده بود. ایشان می‌گویند: در پایان روز که از مکتب به خانه آمدم، دوست داشتم حرفهای استاد را برای عده‌ای تدریس کنم. با خودم گفتم: چه کسی پای درس یک پسر بچه چهار پنج ساله می‌نشیند! مادرم در خانه مرغ نگهداری می‌کرد. من مرغ‌ها را در یک گوشه حیاط جمع کردم و حرفهای استاد را برای آنها بیان کردم، زیرا چیزی در ذهنم بود و فکرم را مشغول می‌کرد که باید حرفهای استاد را جایی بیان کنم.

عزیزان دقت داشته باشند که وقتی انسان مطلبی را می‌خواند مدتی در زاویه ذهن مهمان است، اما زمانی که انسان تدریس می‌کند شاید بتواند بهتر از صد درس انسان را مجهزتر کند و ذهنش پایدارتر باشد.

از آیت الله العظمی خوئی در کتاب «صراط النجاة» که فرمایشات «شیخ جواد تبریزی» هم در آنجا آمده و به صورت سؤال و جواب است، سؤال کردند:

«متی أدخلت «أشهد أن علياً ولياً لله» الى الأذان و الإقامة، و هل وردت رواية من المعصوم

باستحبابها؟»

در چه زمانی «شهادت ثالثه» وارد اذان و اقامه شده است؟ آیا روایتی از معصومین مبنی بر استحباب

«شهادت ثالثه» داریم یا نه؟

ایشان در جواب می‌نویسد:

«الرواية الواردة باستحباب الشهادة بالولاية له عليه السلام»

بله ما روایاتی داریم که دال بر استحباب شهادت بر ولایت هست.

«متی شهد بالنبوة، لا فی خصوص الأذان و الإقامة»

وقتی ما شهادت به رسالت نبی اکرم می‌دهیم به صورت مطلق است و در خصوص اذان و اقامه نیست.

معصومین به صورت کلی فرمودند: هر وقت شما شهادت بر رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

دادید، شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم بدهید.

«و لذا لا نعدّها جزءاً منهما»

ولی ما شهادت ثالثه را جز اذان و اقامه نمی‌شماریم.

«والله العالم»

صراط النجاة، نویسنده: خویی، سید ابو القاسم موسوی، ج ۳، ص ۳۱۸، س ۹۹۴

در «کتاب الصلاة» که یکی از کتاب‌های فقهی مبسوط آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) هست،

یکی دو صفحه در رابطه با شهادت ثالثه مطلب دارد.

اگر بخواهم مطالب ایشان را شروع کنم حداقل پانزده دقیقه وقت نیاز دارد. بنده تنها آخر عبارتشان را می‌خوانم

و تشریح و توضیح فرمایششان را به جلسه بعد موکول می‌کنیم.

وقتی ایشان مطالب را می‌آورد و بحث علمی که آیا جزء اذان باشد یا نباشد را بیان می‌کند، در آخر می‌گوید:

«بعد أن كانت الولاية من متممات الرسالة ومقومات الايمان، ومن كمال الدين»

ولایت متمم رسالت، مقوم ایمان و موجب کمال دین هست.

«بمقتضى قوله تعالى: (اليَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)»

به مقتضی آیه: (اليَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).

«ولا سيما وقد أصبحت في هذه الأعصار من أجلى أنحاء الشعار وأبرز رموز التشيع وشعائر مذهب الفرقة

الناجية»

بویژه اینکه در عصر اخیر یکی از واضح‌ترین انواع شعار و بارزترین رمز تشیع و شعار زیبای مذهب فرقه

ناجیه است.

«فهي إذا أمر مرغوب فيه شرعاً و راجح قطعاً في الأذان وغيره»

امری است که از نظر شرعی کاملاً مورد تأیید هست و قطعاً راجح است در اذان و اقامه گفته شود.

کتاب الصلاة، نویسنده: السيد الخوئی، ج ۲، ص ۲۸۸، پ ۱

به دلیل اینکه از مقومات ایمان، متمم رسالت است و در عصر جدید شعار شیعه شده است بنابراین هم قطعاً

راجح است و هم شرعاً مرغوب فيه است.

کلمه «رغب» اگر با «عن» متعدی شود، به معنای اعراض است، اما اگر با «فی» متعدی شود به معنای رغبت و

میل است. آیت الله العظمی خوئی در پایان به این شکل نظرشان را اعلام می‌کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته